گفت وگو با دکتر محمّدحسین یادگاری رئیس جهاد دانشگاهی

می توانیم یک شبه ره صد ساله را برویم

گفت و گو از سید مهدی آثاری و حسین راد

جهاد دانشگاهی را همگان با دانشمند مرحوم کاظمی آشتیانی و سلول های بنیادین و درمان ناباروری و بزهای تراریخته و ... می شناسند. این نهاد با فرمان حضرت امام خمینی(ره) در ۵۹/۳/۲۳ و ۵۲ روز پس از اعلام انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها، شکل گرفت و از این منظر، یکی از نهادهایی است که از ابتدا با نگاه انقلابی و جهادی در عرصه علم و تحقیق در هوای نظام اسلامی تنفس کرده است. جهاد دانشگاهی در طول عمر ۳۳ساله خود فراز و نشیب های زیادی را پشت سرگذاشته است و در کنار حمایت های همیشگی و راه‌گشای مادی و معنوی رهبر معظم انقلاب، زخم هایی از کم لطفی دولت در برخی دوره ها و سیاسی کاری برخی مدیران دوره‌های گذشته بر تن دارد.

- از چه زمانی عهده‌دار مسئولیت جهاد دانشگاهی شده‌اید؟

از خردادماه تا شهریور ۸۹ حکم سرپرستی گرفته و طبق روال قانونی پس از رأی‌گیری در جلسه هیئت امناء و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی با ۱۵ رأی از ۲۱ عضو شورا، حکم سه ساله‌ام از شهریور ۸۹ تا شهریور ۹۲ صادر شد و در این مدت در مسئولیت جهاد دانشگاهی قرار دارم.

- از سوابق دانشگاهی و تحقیقاتی خودتان بفرمائید.

بنده عضو هیئت علمی دانشکده علوم پایه پزشکی دانشگاه تربیت مدرس هستم که از بهمن ماه سال ۸۴ تا سال ۸۹ و قبل از عهده‌دار شدن ریاست جهاد دانشگاهی به مدت ۵ سال معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه تربیت مدرس بودم که براساس ساعات درخواستی دانشکده به تدریس مشغول هستم و هدایت پایان نامه‌های مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا را نیز می‌پذیرم.

-آقای دکتر! جهاد دانشگاهی است دیگر. هم کار علمی است و هم حرکت جهادی. دید شما به جهاد دانشگاهی قبل از پذیرش این مسئولیت چگونه بود و اکنون پس از گذشت ۳ سال چه مسیری را طی کرده‌اید؟

یک مقدمه‌ای را عرض می‌کنم و بعد به پاسخ شما می‌رسم. بعد از دست به دست شدن دانشگاه بین گروهک‌ها در اوایل انقلاب، نیاز به یک تحول اساسی در دانشگاه بود که با انقلاب فرهنگی آغاز شد. نقش بنده هم در آن ستاد این بود وقتی خلاء این حرکت را احساس کردم. خدمت حضرت امام برای طرح مسئله و پیشنهاد تشکیل ستادی با این محوریت شرفیاب شدم. آن زمان یعنی سال ۵۹ دوران بستری شدن امام در بیمارستان بود که این هم اتفاق افتاد و امام ۲۳ خرداد ۵۹ دستور تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی را صادر فرمودند؛ که در حدود ۲ ماه بعد از آن یعنی ۱۶ مرداد ۵۹ جهاد دانشگاهی شکل گرفت. نگاه به جهاد دانشگاهی را از اینجا شروع می‌کنیم که نظام جمهوری اسلامی ایران خواست که جهاد دانشگاهی یک مرکز ملی باشد و در حقیقت مرکزی برای همه فعالیت‌های تحقیقاتی، علمی و فرهنگی به منظور اسلامی شدن دانشگاه‌ها باشد. یعنی از همان زمان اعضای ستاد انقلاب فرهنگی مدنظر داشتند که برویم به سمت اسلامی شدن دانشگاه‌ها. [که دانشگاه تربیت مدرس نیز رسالتش تربیت اساتید برای جذب و عضویت در هیئت علمی دانشگاه‌ها بود که فراموش شد]. که بعد از بررسی صلاحیت‌های عمومی فرد و اشتغال به تحصیل، مبانی فلسفی، دینی و فقهی را نیز در کنار دیگر دروس فراگیری کنند.

این اسلامی شدن دانشگاه‌ها که رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان در ماه مبارک رمضان نیز تأکید مجددی بر آن داشتند، علاوه بر اسلامی شدن دانشگاه و دانشجویان به نظر من اسلامی شدن یعنی شما از لحاظ علمی حرف اول را بزنید. در زمینه‌های آموزشی به دنبال کارهای سطح بالا بروید که بتوانید ضمن تأمین نیاز حرف اول را بزنید. در سال ۶۹ نیز این رسالت را بر دوش ما قرار دادند که با توجه به تغییر شرایط دانشگاه‌ها و به وجود آمدن شرایط، باید جهاد دانشگاهی پلی بین دانشگاه و صنعت می‌شد، که البته متأسفانه از سوی دانشگاه‌ها به درستی انجام نشده است.

- به نکته خوبی اشاره فرمودید، از طرفی حرکت‌های خوبی در راستای ارتباط دانشگاه با صنعت می‌بینیم مثل پژوهشگاه رویان و از طرفی هم به نظر می‌رسد هنوز ساختار مناسبی در این زمینه نداریم. چرا چنین تناقضی پیش آمده؟

یعنی اگر می‌بینید که جهاد دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی شکل می‌گیرد و بعدها تبدیل می‌شود به پژوهشگاه رویان، این به صورت خودجوش و احساس تکلیف عده‌ای از دانشجویان و اساتید بوده و دانشگاه آن نقش اساسی خود را نتوانسته انجام دهد. در سال ۸۷ طی مصوبه‌ای وظیفه اشتغال و کارآفرینی برای جهاد دانشگاهی در نظر گرفته می‌شود که طی آن مطالعه، تحقیق، توانمندسازی، اطلاع‌رسانی و مشارکت و ایجاد زمینه‌های مناسب برای اشتغال فارغ‌التحصیلان نیز برعهده جهاد دانشگاهی قرار داده شد. یعنی بعد از وظیفه اسلامی شدن دانشگاه‌ها، باید پلی می‌شدیم بین صنعت و دانشگاه و اکنون هم وظیفه اشتغال و کارآفرینی هم برعهده جهاد دانشگاهی قرار گرفته است.

یعنی کار در جهاد دانشگاهی باید به عنوان یک نهاد متولی می‌شد که کار دانشجو محور شود و دانشجویان بروند به سمت تولید علم. بعد آن را محصول محور کند، و بعد آن را تبدیل به یک کار فناورانه کند. اکنون که ۳۳سال از تأسیس جهاد دانشگاهی می‌گذرد، اقدامات خوبی که در اینجا انجام شده است، براساس خودجوشی جهاد دانشگاهی بوده و نه بسترسازی ملی آن. ثابت کردیم که اگر نیروهای ارزشی و انقلابی تخصص را با خود همراه کنند، می‌توانند یک شبه ره صدساله را بروند. همچنان که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چه در دوران ریاست‌جمهوری و چه در دوران رهبری انقلاب همیشه به صورت ۲ تا ۳سال یک بار جهاد را به حضور پذیرفته و یا پیامی ارسال فرموده‌اند که نمونه آن نیز پیام اخیرشان است.

- یکی از ویژگی‌های جهاد دانشگاهی این است که نسبت به بسیاری از مجموعه‌های دیگر نورچشمی هستید. یعنی دیدارها و پیام‌ها و... حاکی از توجه ویژه رهبری معظم انقلاب به مجموعه جهاد دانشگاهی است. از طرفی ضمن وجود نقایصی که اشاره کردید، امروز در هر شهر و دیاری پژوهشگاه رویان جهاد دانشگاهی شناخته شده است؛ هرچند که کار شما محدود به این نیست. یادی کنیم از مرحوم آشتیانی که آغازگر این حرکت جهادی بودند. به‌نظر شما چطور می‌توان جامعه به ویژه جامعه دانشگاهی را متوجه این ظرفیت کرد و آن‌ها را با حرکت بزرگ درگیر کرد؟

- آنچنان که عرض شد کار تخصصی همراه با ارزش‌مداری کاری می‌کند کارستان. برداشت من از نوع نگاه رهبر معظم انقلاب این است که جهاد دانشگاهی می‌تواند بستری برای این فعالیت‌ها باشد.

نمونه آن آغاز اقدامات تحقیقاتی درمورد سلول‌های بنیادین بود که با حمایت و پشتیبانی مقام معظم رهبری و اقدام جهادی مرحوم کاظمی آشتیانی پیشرفت کرد و به نتیجه رسید که رهبر معظم انقلاب در یکی از سخنرانی‌هایشان اشاره داشتند که بعضی ایراد می گرفتند به من (رهبری) که شما چرا از اینها پشتیبانی می‌کنید. اما بعدها که به نتیجه رسید، فهمیدند که این حمایت‌ها بی‌دلیل نبوده است. ایشان فرمودند که همان زمان بنا بود فعالیت‌های کشور در حوزه زیست فناوری را هم تحریم کنند که این اتفاق عملاً نیفتاد. من برداشتم این است که گستردگی و پیشرفت کار به حدی بود که عملاً از این اقدام صرف‌نظر کردند. مثلاً اگر خاطرتان باشد در همان زمان اعلام شده بود که دانشجویان ایرانی در رشته‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای نباید در خارج حق تحصیل داشته باشند که درنظر داشتند مشابه این مطلب را در حوزه زیست فناوری انجام دهند که نشد. امروز کار به جایی رسیده است که در سطح ملی، دستاوردهای جهاد دانشگاهی باعث به وجود آمدن غرور ملی و خودباوری ملی می‌شود.

- خوب است در این فرصت تعدادی از دستاوردهای اخیر جهاد را هم بگویید.

اگر بخواهیم از دستاورد جدیدمان که حاصل اقدامات پژوهشگران در مجموعه‌های مختلف‌مان از جمله پژوهشگاه رویان، پژوهشگاه ابن‌سینا و انستیتو پاستور است، ذکر کنیم این است که پدر و مادری که مبتلا به تالاسمی یا بیماری خونی هستند که فرزندشان هم مبتلا به تالاسمی خواهد شد، را با یک سری اقدامات پزشکی و درمانی قبل از اینکه خصوصیات ژنتیکی در رحم جایگزین شود، ژن را شناسایی کرده و خارج می‌کنند که بچه‌ای که متولد می‌شود، بچه سالمی خواهد بود که این دستاورد بسیار بزرگی است.

امروز ارتباط علمی بین دانشگاه‌ها و جهاد دانشگاهی وجود دارد، اما اینکه به نحوی باشد که تولید علم به کار محصول محور منتهی شود، این گونه نیست. طراحی و درنظر گرفتن پارک‌های علم و فناوری در دل واحدهای جهاد دانشگاهی هم یکی دیگر از این رویکردها بود که اینکه با چه سیاستی این پارک‌ها از جهاد دانشگاهی گرفته شد، باز مطلبی است که به نگاه‌های متفاوت بازمی‌گردد و اگر این پارک‌ها گرفته می‌شد، اکنون شاهد دستاورهای گوناگونی بودیم.

جهاد دانشگاهی جشنواره‌ای را سالانه برگزار می‌کند که محققان از کشورهای مختلف آخرین و بهترین دستاورد علمی خود در حوزه زیست فناوری را ارائه می‌کنند که مورد ارزیابی و داوری قرار می‌گیرند و به نفرات برتر جایزه زنده‌یاد کاظمی آشتیانی تعلق می‌گیرد. حتی برخی از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های خارج از کشور، فرصت مطالعاتی می‌گیرند تا بیایند و از دستاورهای پژوهشگاه رویان جهاد دانشگاهی استفاده کنند.

- دانشجویان جدیدالورود معمولا از سوی تشکل‌های دانشجویی دعوت به همکاری می‌شوند. خب، گفتید که ارتباطی که باید با بدنه مدیریتی دانشگاه‌ها شکل می‌گرفته، اتفاق نیفتاده و شما را مهمان می‌دانند. آیا هیچ وقت به این فکر افتاده‌اید که با بدنه دانشجویی ارتباط داشته باشید؟ دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا که مقام‌های زیادی هم دارند؟

امروز تعاملاتی با بدنه دانشگاهی‌ها داریم اما، همکاری و تعامل با جهاد دانشگاهی برای دانشگاه‌ها تعریف نشده است. برخی ما را رقیب خود می‌دانند و می‌گویند شما یک موجود اضافی هستید. برخی می‌گویند درشرایط کنونی دیگرنیازی نیست که جهاد دانشگاهی وجود داشته باشد، که این از جهتی چون فضای علمی کنونی کشور به مراتب نسبت به فضای دهه ۶۰ و ۷۰ رشد کرده و سطح کنونی دانشگاه‌ها با آن دوران قابل قیاس نیست، حرف درستی است. حتی مراکز فناوری و تحقیقاتی در کشور حرف برای گفتن دارند. از طرفی هم انعکاس خروجی‌های عملکرد جهاد دانشگاهی در این ۳۳ سال به صورت ساده، قابل فهم برای همه و عامه‌پسند کمتر اتفاق افتاده است. یعنی مثلاً مانند قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران که به خوبی نشان داده می‌شوند، نبوده است.

از اهداف اصلی و عالی جهاد دانشگاهی ارتباط با دانشجویان و بدنه دانشگاهی بوده است. در آخرین اصلاحات و بازبینی صورت گرفته در اساسنامه جهاد دانشگاهی در سال ۸۱ هم آمده است که: «گسترش تحقیقات و شکوفایی روحیه تتبع و استعدادها در سطح جامعه برای نیل به خوداتکایی» و «گسترش طرح‌های کاربردی و نیمه صنعتی از طریق پیوند با مراکز علمی و تحقیقاتی به منظور به کارگیری نتایج پژوهش» از جمله اهداف و حوزه عمل جهاد دانشگاهی است.

از این دو مهم‌تر «توسعه امور فرهنگی در سطح جامعه از طریق همکاری با حوزه و دانشگاه و سایر مراجع و نهادهای فرهنگی به خصوص برای نسل جوان» است.

- به نظر می‌رسد جهاد دانشگاهی باید با برنامه‌ریزی اقدام به جذب و به کارگیری و حمایت از دانشجویان ارزشی و دارای صلاحیت علمی می‌کرده که این امر به دلایلی اتفاق نیفتاده است، فکر می‌کنید چرا چنین شده؟

دخالت و مشارکت برخی از مدیران جهاد دانشگاهی متأثر از جریان اصلاحات مانند مدیر وقت ایسنا به ویژه در فتنه ۸۸ را نباید به پای بدنه هفت هزار نفری انقلابی، متخصص و متعهد جهاد دانشگاهی نوشت.

دو دلیلش را اگر به صراحت بگویم، یکی کم‌توجهی مسئولان اجرایی خارج از جهاد دانشگاهی است. حتی در دوره یکی از دولت‌ها مصوب شده است که جهاد دانشگاهی از دانشگاه‌ها بیرون برود که این با رسالت جهاد دانشگاهی در تعارض بود. هر چند بعدها مصوبه اصلاح شد که جهاد دانشگاهی به دانشگاه‌ها بازگردد اما آن مصوبه اول کار خودش را کرد و اگر تا امروز توفیق و پذیرشی هست، به جهت نگاه عمومی به جهاد دانشگاهی و حمایت‌های رهبری و اینکه یک نهاد انقلابی است، صورت می‌پذیرد. دلیل دوم بی‌برنامگی و کشاندن برخی دوره‌های جهاد دانشگاهی به حساسیت‌های غلط سیاسی است؛ هم از درون و هم از بیرون. بدنه جهاد دانشگاهی اکثرا افراد انقلابی هستند، اما آن زمانی که برخلاف تکلیف خود به موضع‌گیری در مقابل دولت وقت و... روی آورده، از رسالت خود دور شده است. البته دخالت و مشارکت برخی از مدیران جهاد دانشگاهی متأثر از جریان اصلاحات مانند مدیر وقت ایسنا به ویژه در فتنه ۸۸ را نباید به پای بدنه هفت هزار نفری انقلابی، متخصص و متعهد جهاد دانشگاهی نوشت.

ثابت کردیم که اگر نیروهای ارزشی و انقلابی تخصص را با خود همراه کنند، می‌توانند یک شبه ره صدساله را بروند.

این اقدامات غلط تصویر نامناسبی از جهاد دانشگاهی را به وجود آورد که ما هنوز نتوانسته‌ایم این تصویر را در ذهن برخی از مسئولین نظام اصلاح کنیم و از این بابت کوتاهی‌هایی صورت گرفته است.

کار فرهنگی هم به جهاد دانشگاهی سپرده شده بود. این را همه می‌دانند که کار فرهنگی به صورت دولتی پیش نمی‌رود. کار تحقیقاتی باید از طریق جهاد دانشگاهی انجام شود. راه‌اندازی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری هم برای جبران خلأ ناشی از کم‌توجهی و محدود کردن جهاد دانشگاهی اتفاق افتاد که البته بحث من در مورد بودن یا نبودن معاونت علمی و فناوری نیست. نمونه کم‌توجهی به جهاد دانشگاهی هم دیده نشدن عضویت جهاد دانشگاهی در شورای فرهنگی دانشگاه‌هاست. تنها به صلاحدید رئیس دانشگاه و تشخیص او در یک موضوع جهاد دانشگاهی به جلسه دعوت شود؛ علت عمده هم این بود که مسئولین بیرونی به نظرشان می‌آمد که جهاد دانشگاهی دارد کار سیاسی می‌کند.

- به عنوان یکی از آسیب‌ها سیاسی شدن جهاد دانشگاهی را ذکر کردید. از طرفی دیگر رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند که دانشجو باید سیاسی باشد. از نظر شما جهاد دانشگاهی باید کار سیاسی را محور عمل خود قرار دهد یا کار سیاسی شما از جنس دیگری است؟

طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی متعلق به هیچ گروه و دسته خاصی نیست.

جهاد دانشگاهی متعلق به انقلاب است. تحول درخصوص جهاد دانشگاهی در این دوره را هم همین می‌دانیم که بتوانیم ذهنیت‌ها را نسبت به این مجموعه عوض کنیم. ما بین کار سیاسی و سیاسی‌کاری تفاوت قائلیم. درمورد کار سیاسی مدنظر ما، یک قسمت مربوط به ذهنیت داشتن و داشتن شم سیاسی برای شناخت جبهه استکبار، توانایی تفکیک جبهه خودی از جبهه نفاق و حساسیت برروی کسانی است که نمی‌خواهند منویات رهبری در عرصه‌های مختلف اجرایی شود. این چنین دانشجویی به خود جرأت می‌دهد از هر یک از مسئولین اجرایی کشور سؤال کند. از طرف دیگر رهبر معظم انقلاب در دیدار سال۶۹ با جهادگران فرموده‌اند که اگر می‌خواهید جهاد خوب کار کند، شرطش این است که برادران در سطوح بالا حساسیت‌های غلط سیاسی را کنار بگذارند والا در بدنه خیلی هم انتظار نیست. مثلاً اینکه حضرت امام فرمودند کسی حق ندارد جهت‌گیری‌های سیاسی را وارد سپاه کند، علتش این است که این امر باعث متلاشی شدن مجموعه می‌شود؛ اما متأسفانه در برخی از دوره‌ها این اتفاق در جهاد دانشگاهی افتاده است که باعث شده جهاد دانشگاهی زیر سؤال برود. ما با سیاسی‌کاری‌ای که به وجهه عمومی جهاد دانشگاهی لطمه بزند مخالفیم.

- براساس اساسنامه و اهداف جهاد دانشگاهی، چه کسی وظیفه ارتباط‌گیری با دانشجویان را دارد؟ وظیفه ارتباط با صنعت با چه کسی است؟ آیا تشکیلات منظمی برای این امر دارید؟

این موارد در اساسنامه جهاد دانشگاهی دیده شده است. از رأس مجموعه یعنی هیئت امنا که انتخاب رئیس نیز برعهده آن است تا رئیس و معاونت‌های مختلف هم بستری برای تحقق این امر هستند اما امروز یک بازخوانی و بازنگری جدی در اهداف، برنامه‌ها و ساختارهای جهاد دانشگاهی متناسب با شرایط روز و پیشرفت‌های چشمگیر علمی کشور نیاز داریم. باید جهاد دانشگاهی اضافه دیده نشود، بلکه آن را بازوی مکمل یا تمام کننده ببینند. یک شفافیت مناسبی درخصوص جهاد دانشگاهی از نظر نقش و جایگاه و به صورت مشخص از طریق مصوبات برای حضور در دانشگاه‌ها نداریم. این اتفاقات که در جهاد دانشگاهی می‌افتد هم محصول توانمندی اعضای جهاد است نه اجرای مصوبات. مصوبه داریم اما زیرساخت و ساز و کار نداریم. این درحالی است که هنوز برخی از مسئولین به نیرو و فکر داخلی اعتقاد چندانی ندارند.

- آیا مورد قابل توجهی هم پیش آمده که کار به دلیل عدم اعتقاد یک مسئول به نیروی داخلی متوقف شود؟

یکی از مواردی که ما اعلام آمادگی کرده‌ایم، بومی کردن دانش ساخت مترو با توجه به رویکرد دولت برای ساخت مترو در تمام استان‌های کشور است. یا حتی توافقی بین وزارت دفاع، وزارت نفت و جهاد دانشگاهی برای بومی‌سازی ساخت دکل‌های حفاری به امضاء رساندیم اما در مرحله اجرا کار گیر کرد. مسئولین ارشد وزارت معتقدند که کار را باید جهاد دانشگاهی انجام دهد اما... باید درمورد جایگاه جهاد دانشگاهی شفاف‌سازی شود، اما نه جهاد دانشگاهی سال ۶۰ و ۷۰، بلکه جهاد دانشگاهی سال ۹۰ به بعد.

در کشورهای پیشرفته، مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی‌ای مانند جهاد دانشگاهی در کنار هر کار موفقی وجود دارد، با این تفاوت که اینجا روحیه جهادی هم در کار وجود دارد. در یک بررسی دقیقی که کارگروه تخصصی اجرایی کردن سند نقشه جامع علمی کشور انجام داده است، ارگان رابط بین دانشگاه و صنعت را تنها جهاد دانشگاهی تشخیص داده‌اند. ایراد دیگر این است که در کشورهای پیشرفته مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی به دنبال کارفرما نمی‌گردند، اما ما باید تحقیقات کاملی در یک مورد انجام دهیم بعد به مرکز مربوطه بگوئیم این توانمندی را داریم. گاهی ابتدا یا وسط کار طرف توافق اعلام می‌کند که من فعلاً توان تأمین اعتبار این کار را ندارم! در کشورهای پیشرفته بازاریابی با فرد محقق نیست، او می‌گوید من بازار را نمی‌شناسم.

پدرانه

نه چپ نه راست

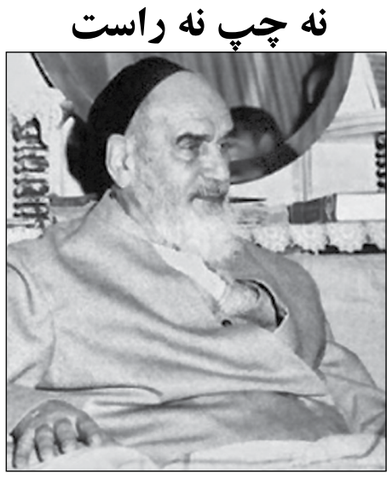

امروز که کشور از استقلال شایسته برخوردار است و قید و بند غرب و شرق و غربزدگان و شرقزدگان از کشور و دانشگاه گسسته شده است، جوانان عزیز دانشگاهی هرچه بیشتر در کسب علوم و فنون در اعتلای کشور معظم خود کوشش نمایند؛ و از نفوذ عناصر منحرف و وابسته به چپ و راست قاطعانه جلوگیری کنند و نگذارند محیط مقدس دانشگاه آلوده به اغراض منحرفان و وابستگان به اجانب گردد.

امام خمینی(ره) - ۱۳۶۲/۶/۸

دانشگاه در جبهه-۳۸

دانشجوی شهید حکمت‌الله یارقلی

وی که اولین فرزند خانواده صفت‌الله یارقلی بود، ۳ اسفند ۱۳۴۱ در شهر علم و دانش شمال غرب ایران، هیدج چشم به جهان گشود. بعد از دوران کودکی تحصیلات خود را از مکتب خانه های قدیمی آغاز کرد و قرآن و برخی دروس را فرا گرفت. وی در این راه از کوچکترین فرصتها استفاده می کرد و حتی وقت های آزاد را در کتاب‌فروشی دوست خویش «یوسف» به مطالعه کتاب می پرداخت. حکمت‌الله پدرش را در کارهای کشاورزی تنها نمی‌گذاشت؛ که پدر در حق فرزند چنین بیان نماید «من خودم به حال آن غبطه می خورم اگر آن مانده بود بیشتر خدمت داشت ای کاش من رفته بودم » .

شهید پس از گذران دوران تحصیلی تا سطح دیپلم، وارد رشته داروسازی در دانشگاه تهران شد و این ایام مقارن با زمان جبهه و جنگ بود. او از طرفی دانشجوی رشته داروسازی و از طرف دیگر رزمنده جبهه های جنگ بود که در سال سوم دانشگاه و در سال ۱۳۶۴ در منطقه بانه به درجه رفیع شهادت دست یافت.

در قسمتی از وصیت نامه شهید آمده است:

... سرفرازی و افتخار همه شما در گرو رزم بی امان‌تان در جمیع جبهه‌های نبرد است. شما با جهادفرهنگی از کودتای خزنده، با جهاد اقتصادی از شکست حتمی و با جهاد نظامی دلاورانه از سقوط، جان سالم به در خواهید برد. آگاه باشید که زندگی نسل‌های متمادی در طی قرون به اندازه یک ساعت مجاهدت برای حفظ و گسترش اسلام ارزش ندارد. کاهلی و سستی را از خود برانید، پیش‌قراولان و پیش‌کسوتان اسلام را اسوه خود قرار دهید. از علی(ع) درس شهادت و درس چگونه زیستن بیاموزید و در این جهان درود ابدی و در جهان دیگر فضل الهی را شامل حال خود سازید. هان بدانید که زندگی شما در گرو پویایی شماست. چرا که:

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم
موجیم که آسودگی ما عدم ماست

تبارشناسی مؤسسه پرسش - قسمت هشتم

طنزواره‌ای از چپ آمریکایی

نگاهی به احوالات مراد فرهادپور (۱)

دکتر حسین روحانی*

مراد فرهادپور، نویسنده و روزنامه‌نگار چپ‌گرایی -بخوانید چپ آمریکایی-است که در سال ۱۳۳۷ در تهران متولد شد. او فرزند فاطمه علوی و ناصرقلی فرهادپور است. پدرش سیاست‌مدار و روزنامه‌نگار و عضو مجلس شورای ملی در حد فاصل سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۲ بود. مراد، حاصل ازدواج دوم فاطمه علوی بود. فاطمه علوی از ازدواج نخست خود با پسرعمویش بزرگ علوی-نویسنده عضو حزب توده-صاحب فرزندی به نام مانی شد. فرهادپور ابتدا در دانشکده مکانیک دانشگاه علم‌وصنعت به تحصیل مشغول شد، اما درس خود را ناتمام رها کرد و برای ادامه تحصیل در رشته اقتصاد به انگلستان رفت. فرهادپور کار ترجمه متون فلسفی را از دهه شصت خورشیدی آغاز کرد. در دهه هفتاد برای نشریات روشنفکری نظیر راه نو، کیان و آدینه مطلب می‌نوشت[1]. او در حال حاضر نیز یکی از پرکارترین و نافذترین چهره های جریان بیمار روشنفکری در ایران محسوب می‌شود و همراه با نویسندگانی چون امید مهرگان، صالح نجفی و مازیار اسلامی، حلقه فکری را شکل داده است که به حلقه مراد فرهادپور مشهور است. مؤسسه پرسش یکی از کانون‌های اصلی ترویج حلقه فرهادپور به شمار می‌آید. ترجمه و معرفی آراء فیلسوفان ملحدی چون اسلاوی ژیژک، والتر بنیامین، امانوئل لویناس، ژاک لاکان و آلن بدیو از جمله اقدامات این حلقه می‌باشد که در تناظر کامل با جنگ نرم دشمنان انقلاب اسلامی علیه تمامیت نظام اسلامی می‌باشد. فرهادپور و حلقه گرداگرد او با برجسته کردن خطر نولیبرالیزم و گرفتن ژستی ضد امریکایی سعی دارند چنین وانمود کنند که برخلاف سایر جریانات فعال در ایران، رویکردی ضد آمریکایی! دارند و از حقوق مردم دفاع می‌کنند. اما شواهد و قرائن انکار ناپذیری وجود دارند که این ادعاهای فرهادپور و حلقه منتسب به او را با علامت سؤال جدی‌ای مواجه می‌کند. این پژوهشگر لائیک با وجود تظاهر خویش دائر بر مخالفت با امپریالیزم، عملا و محققا یکی از کارگزاران برجسته جریان فتنه محسوب می‌شود. او با قلم‌فرسایی در نشریات نولیبرالی چون راه نو، کیان و مصاحبه بلاوقفه با نشریات زنجیره‌ای حامی لیبرالیزم و دفاع شورمندانه از فتنه سبز، به وضوح درجات وابستگی و سرسپردگی خویش و هم‌پالگی هایش را به ناتوی فرهنگی دشمن احراز می‌کند. فرهادپور در یادداشتی تحت عنوان "پنج چیزی که باید درباره جنبش سبز بدانیم" می‌نویسد: "جنبش ۲۲ خرداد به واسطه خصلت سیاسی اش عملا کل تاریخ معاصر ایران، به ویژه تاریخ سی سال گذشته را در یک فاصله زمانی فشرده که به لحاظ سیاسی بسیار غنی است گردآورده است. طوری‌که، تقریبا همه فرازها و ایده‌های برجسته این تاریخ به نحوی در نمادها و شعارها و رخدادهای این پنجاه روز تکرار و نقل قول شده اند. تا آنجا که به سی سال گذشته مربوط می‌شود، جنبش ۲۲خرداد عملا شکلی از رستگاری امیدها و آرمان‌های برباد رفته این دوره است و از این‌رو نه‌فقط تکرار طنزآمیز انقلاب ۵۷ نیست بلکه تداوم و تحقق پتانسیل حقیقتا سیاسی رخداد ۵۷ است، تأکید مکرر به غایت هوشمندانه رهبری جنبش برکنش و تفکر و خلاقیت مردم و اشاره مداوم و صبورانه به پیوند جنبش با ارزش‌ها و آرمان‌ها و توان‌های حقیقی رخداد انقلاب ۵۷ گویای اولویت سیاست بر همه تفاسیر فرهنگی و فقهی و کلامی است. زیرا فقط قدرت نجات بخش سیاست است که به ما اجازه می‌دهد حتی عنوان "انقلاب اسلامی" را نیز دگرباره معنا کنیم.[2]" استاد لائیک مؤسسه پرسش در این نوشته به وضوح از فتنه‌گران حمایت به عمل می‌آورد و با تحلیلی سراپا کذب و متوهمانه، چنان با آب و تاب در باب ممیزه‌های فتنه سبز دادسخن سر می‌دهد که تو گویی این حرکت فتنه آمیز، نشأت گرفته و برخاسته از بطن جامعه ایران می‌باشد! سؤالی که از فرهادپور و روشنفکرانی از قبیله و قماش او می‌توان پرسید این است که چطور ممکن است از یک سو از استقلال و خودجوش بودن یک جنبش دم زد ولی در عین حال مستظهر به حمایت‌های قدرت‌های غربی نیز بود! فرهادپور و حلقه گرداگرد او، چند صباحی است که به مدد و پشتیبانی بنگاه‌ها و کانون‌های ناتوی فرهنگی دشمن در عرصه‌های هنری و فرهنگی و فکری کشور یکه‌تازی می‌کنند و آزادانه مشغول تبلیغ و ترویج آراء فیلسوفان ملحدی چون ژیژک هستند. مازیار اسلامی که رفیق گرمابه و گلستان فرهادپور به شمار می‌آید در اغلب تحلیل‌های سینمایی خویش با رجوع به آراء لاکان-روانکاو پست مدرن-و ژیژک-فیلسوف آنارشیست-سعی دارد تصویری پوچ گرایانه از انسان را در معرض و مرئای مخاطبان و مستمعان خویش قرار دهد و از این رهگذر زمینه لازم جهت ریشه دواندن کلبی مسلکی و لذت گرایی را هموار سازد. در قاطبه آثار منتشره از امید مهرگان، مراد فرهادپور و مازیار اسلامی، ردپایی از آراء ژیژک به چشم می‌خورد. ژیژک فیلسوف چپ گرایی است که با توشه‌گیری از آراء لاکان و هگل، درصدد نقد نظام سرمایه داری می‌باشد[3]. پاره‌ای از ناظران و صاحب‌نظران آگاه به مسائل جهانی این نظر را مطرح می‌کنند که ژیژک که علی‌الظاهر منتقد نظام سرمایه داری است، سوپاپ اطمینانی بیش در راستای تحکیم بخشیدن به پایه‌های نظام سرمایه داری نمی‌باشد. فرهادپور که دل در گرو آراء ژیژک دارد با تأسی به آراء این فیلسوف اسلوونیایی، در نگاشته‌ای فتنه‌گرانه چنین اظهار نظر می‌کند که: "مردم ایران بار دیگر به پاخاسته اند. جنبش ۲۲ خرداد آشکارا سیاسی است که به راحتی می‌توان و براساس آن با گوشه چشمی به برخی نوشته‌ها و گفته‌ها و رخدادهای سیاسی چهارسال گذشته، این حقیقت را بار دیگر تکرار کرد که: آری مردم فکر می‌کنند که سیاست خطر کردن، باور کردن، دفاع کردن و بسط حقیقتی معین در وضعیتی معین، هر چند که این حقیقت در چارچوب زبان و معرفت مسلط و رسمی چیزی است بیان ناپذیر و ناشناختنی و نهایتا ناموجود و ناچیز(خارجی، حاشیه‌ای، رسانه ای، شمال شهری)؛ که فرآیند سیاسی چیزی است فراتر از منافع مطالبات، هویت‌ها و تفاوت‌های خاص یا حزبی، که سیاست بدون سرکوب تفاوت‌ها حقیقتی کلی را دنبال می‌کند و با این کار هر فرد و گروهی را دو نیم کرده، در برابر انتخابی میان امر کلی و منافع جزئی قرار می‌دهد[4]. حال باید از فرهادپور و هم‌فکرانش پرسید پس چرا آن به اصطلاح جنبش فراگیری که از آن سخن به میان می آوردید، از نفس افتاد و نتوانست به اهداف خویش نائل آید؟ اینجاست که استاد مؤسسه پرسش درجا می‌زند و قادر به پاسخگویی به سؤالات علمی و منطقی نیست.

فرهادپور و حلقه گرداگرد او با برجسته کردن خطر نولیبرالیزم و گرفتن ژستی ضد امریکایی سعی دارند چنین وانمود کنند که برخلاف سایر جریانات فعال در ایران، رویکردی ضد آمریکایی! دارند و از حقوق مردم دفاع می‌کنند. اما شواهد و قرائن انکار ناپذیری وجود دارند که این ادعاهای فرهادپور و حلقه منتسب به او را با علامت سؤال جدی‌ای مواجه می‌کند.

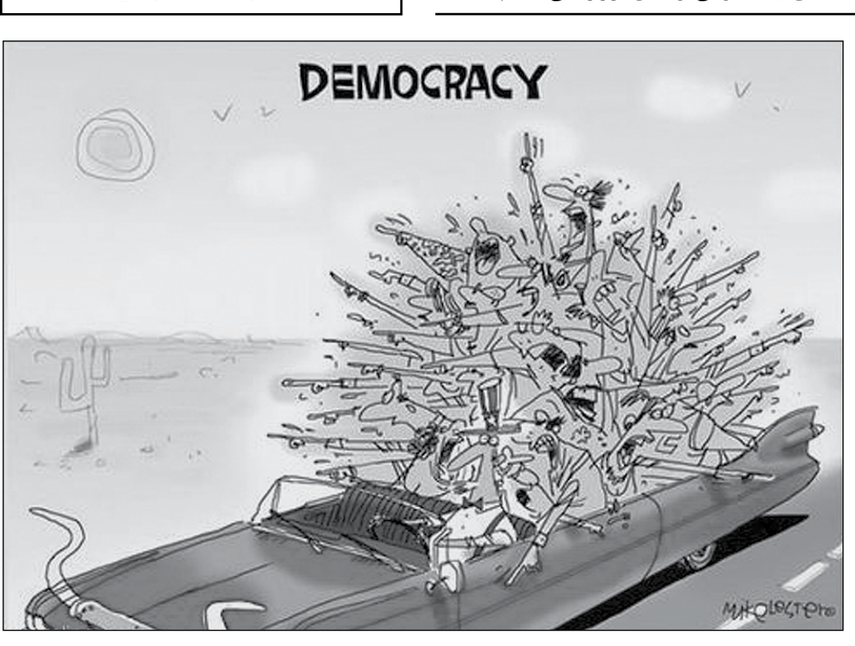

* استاد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۱ فرهادپور، مراد. از :
www.fa.wikipedi.org/wiki

۲ یادداشتی از مراد فرهادپور. پنج چیزی که باید درباره جنبش سبز بدانیم. از :
aspx.۴۹۴-Allaboys.blogfa.com/post

۳ اسلاوی، ژیژک. از :
Fa.wikipedia.org/wiki

۴ یادداشتی از مراد فرهادپور. پنج چیزی که باید درباره جنبش سبز بدانیم. از :
aspx.۴۹۴-Allaboys.blogfa.com/post